

تلطیف و ترمیمی شدن حقوق کیفری، با تأکید بر حقوق ایران

علی حسین نجفی ابرنآبادی^۱

۱. حقوق کیفری در واقع، بازوی مسلح هر دولت و هر نظام سیاسی برای حفظ نظم عمومی محسوب می‌شود. حقوق کیفری از گذر جرم‌انگاری، کیفرگذاری و کیفردهی، به خشونت فیزیکی و روانی بزهکاران، با خشونت متقابلی به نام کیفر پاسخ می‌دهد. حق دولت‌ها بر مجازات کردن از یک سو، شامل وضع محدودیت‌هایی در حقوق و آزادی‌های فردی (جرم‌انگاری) و از سوی دیگر، شامل کیفرگذاری و کیفردهی ناقضان آن محدودیت‌ها است. به عنوان مثال، قتل که نوعی خشونت فیزیکی است، در حقوق کیفری، نامشروع و مجرمانه تلقی و پاسخ حقوق کیفری به آن، یعنی اعدام یا حبس، خشونت مشروع محسوب می‌گردد.

۲. نهادهای پلیسی - قضایی عدالت کیفری و مؤسسات زندان با ویژگی‌های مکانی و تجهیزات خاص خود و کنشگران عدالت کیفری به‌نوبه خود با رفتار، کردار، گفتار و لباس و یونیفرم یا رنگ و علائم خاص، به خشونت کیفری حیات می‌بخشند و نمود بیرونی می‌دهند و به این ترتیب، تهدید بالقوه حقوق کیفری را از گذر فرآیند کیفری به تهدید بالفعل تبدیل می‌کنند. حقوق کیفری بدین‌سان، به خشونت مجرمانه با خشونت مشروع پاسخ می‌دهد.

۳. خشونت کیفری، با این وجود، در پرتو رویدادهای فلسفی، سیاسی و حقوقی دو سده اخیر تا اندازه زیادی تلطیف و انعطاف‌پذیر شده، به طوری که خود را در قالب عدالت ترمیمی به مرزهای حقوق مدنی نزدیک کرده است.

۴. هدف اصلی مکاتب کلاسیک و اندیشمندانی همچون بکاریا و بنتام، خشونت‌زدایی از حقوق کیفری ماهوی با جرم‌انگاری کمینه‌ای و کیفرگذاری انسانی و حقوق کیفری شکلی با رعایت انسانیت مجرم بود. تولد جرم‌شناسی و رشته‌های دیگر علوم جنایی تجربی به عنوان یک رویداد علمی، گرانیگاه حقوق کیفری را از عمل مجرمانه به مرتکب جرم تغییر داد و به این ترتیب، بر جنبه‌های انسانی - اجتماعی جرم در جرم‌انگاری، کیفرگذاری و فرآیند کیفری تأکید کرد. ظهور مردم‌سالاری به عنوان یک رویداد سیاسی در شیوه حکمرانی و گسترش الزامات آن از گذر اسناد بین‌المللی، حقوق کیفری را مقید به رعایت حقوق و آزادی‌های شهروندان نمود. محدود و ملایم شدن حق مجازات کردن دولت‌ها، از آثار نهادینه شدن مردم‌سالاری تلقی می‌شود (حقوق کیفری آزادی‌منش). تشکیل سازمان ملل متحد، عصر ملل متحد را بنا نهاد. یکی از شاخص‌های اصلی این عصر، حقوق بشر است. اسناد عام و خاص حقوق بشر که بخش نسبتاً قابل توجهی از مفاد آن‌ها ناظر به حقوق کیفری است، ضمن تأکید بر کرامت انسانی، خشونت‌زدایی از حقوق کیفری شکلی را در قالب تعریف اصول دادرسی منصفانه و خشونت‌زدایی از حقوق کیفری ماهوی را در قالب منع کیفرگذاری بدنی، تزدیلی، شکنجه‌گونه (کیفرهای غیر انسانی) و جرم‌انگاری کمینه‌ای و محدود کردن مداخله حقوق کیفری در حوزه حقوق و آزادی‌های فردی به دولت‌ها تکلیف می‌کردند (حقوق کیفری عادلانه).

تولد بزه‌دیدگی‌شناسی به عنوان یک رویداد علمی اواخر سده بیستم، دو تحول را در حوزه علوم جنایی به دنبال داشت: از یک طرف، موجب غنی شدن رویکردهای جرم‌شناسی شد؛ زیرا، مطالعه نقش، موقعیت و شخصیت بزه‌دیده را در علت‌شناسی ارتکاب جرم مطرح نمود و از طرف دیگر، موجب ورود عنصر بزه‌دیده در گفتار و جهت‌گیری‌های سیاست جنایی شد: برقراری تعادل میان حقوق بزه‌دیده با حقوق متهم و رفع نیازها و ترمیم خسارات مادی، معنوی، روانی و عاطفی قربانی جرم توسط بزهکار در فرآیند کیفری (رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده).

۱. استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی: ahnaus@yahoo.com

از آثار سیاست جنایی بزه‌دیده‌محور که به طور ملموس عدالت کیفری گفت‌وگو‌محور را به جای عدالت کیفری تخصصی یا عدالت کیفری مقابله‌ای قرار داد، ظهور مفهوم عدالت ترمیمی بود.

۵. عدالت ترمیمی، همان‌طور که از عنوان آن پیدا است، به دنبال خشونت‌زدایی از عدالت کیفری و انعطاف‌پذیرسازی حقوق کیفری است. عدالت ترمیمی که از آن به عنوان عدالت گفت‌وگو‌محور یا عدالت صلح و سازش‌مدار یاد می‌شود، ضمن تأکید بر مذاکره میان بزه‌دیده و بزهکار با حضور بستگان و همکاران آنان، به دنبال هدایت خشونت ناشی از حس انتقام‌جویی کیفری بزه‌دیده از بزهکار، به سمت بخشش و گذشت بزه‌دیده با مسئول‌سازی بزهکار در مقابل او است. برنامه‌های مختلف عدالت ترمیمی مانند میانجیگری که از جهاتی شبیه داوری حقوق مدنی است، در واقع به دنبال توانمندسازی بزه‌دیده و بزهکار برای حل‌وفصل خصومت و ترمیم و جبران خسارت‌های ناشی از ارتکاب جرم و تنش‌زدایی میان آنان است. مفهوم عدالت ترمیمی نه تنها در حوزه آیین دادرسی کیفری، بلکه در حوزه حقوق کیفری عمومی نیز در سال‌های اخیر وارد نظام کیفری کشورها از جمله حقوق ایران شده است. راهبرد سیاست جنایی تقنینی ایران، به ویژه از آغاز دهه ۱۳۹۰ خورشیدی، تلطیف و ترمیمی کردن حقوق کیفری شکلی و ماهوی است که به عنوان نمونه پاره‌ای از نمودهای آن یادآوری می‌شود:

قانون‌گذار ایران در مواد ۱ تا ۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، به اصول و لوازم دادرسی عادلانه و رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده از طریق جرم‌انگاری نقض اصول آن جنبه حقوقی داده است و بدین‌سان، کرامت انسانی متهم و بزه‌دیده را از خشونت رفتاری و گفتاری کنشگران عدالت کیفری مصون داشته است؛ شیوه‌های رسیدگی کیفری را در ماده ۱ این قانون متنوع کرده، به گونه‌ای که افزون بر مدل کیفری سنتی، مدل ترمیمی (میانجیگری کیفری در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری) و مدل تصالیحی (صلح میان طرفین - ماده ۱۹۲ همان قانون) را وارد حقوق ایران کرده است. قانون‌گذار در ادامه راهبرد ترمیمی کردن سیاست جنایی، به شوراهای حل اختلاف، در قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴، صلاحیت ترمیمی تصالیحی نیز داده است و این شورا در اجرای این مأموریت، در سال‌های اخیر یک شعبه به رسیدگی کیفری سنتی و یک شعبه ویژه رسیدگی تصالیحی - ترمیمی اختصاص داده است.

۷. قانون‌گذار در حقوق کیفری ماهوی، با الهام از منابع معتبر اسلامی، برای پاسخ به جرایم عمدی و غیرعمدی علیه تمامیت جسمانی، ضمانت‌اجرای کیفری مانند اعدام یا حبس (پاسخ دولتی) پیش‌بینی ننموده، بلکه، پاسخ به این جرایم را در چارچوب فرایند کیفری در نهایت به عهده بزه‌دیده که عضو جامعه مدنی محسوب می‌شود (پاسخ جامعه‌ای)، گذاشته است. اعطای این اختیار به قربانی جرایم مشمول قصاص و دیات می‌تواند زمینه گفت‌وگوی میان طرفین جرم با هدف ایجاد صلح و سازش، بخشش مرتکب توسط بزه‌دیده، بدون مابه‌ازای مادی یا با پرداخت دیه توسط مرتکب به بزه‌دیده را فراهم سازد. افزون بر این، رویه دادگاه‌ها، با الهام از فقه اسلامی، تشویق طرفین به صلح و سازش و بخشش مرتکب از سوی بزه‌دیده با هدف پرهیز از اعمال قصاص نفس و عضو یعنی در واقع پرهیز از خشونت کیفری است. اجتماعی کردن کیفرها مانند خدمات عمومی رایگان با هدف حبس‌زدایی در حوزه جرایم تعزیری نیز در چارچوب راهبرد تلطیف و ترمیمی شدن حقوق کیفری قابل بررسی است. قانون‌گذار در ادامه راهبرد ملایم‌سازی زرادخانه کیفری، از جمله در بند چ ماده ۱۱۳ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۳۹۵/۱۲/۱۴، ضمن تأکید بر کاهش عنوان‌های مجرمانه (جرم‌زدایی)، کیفرزدایی را از جمله با وضع ضمانت‌اجراهای ترمیمی به قانون‌گذار تکلیف کرده و با این امر همچنان به دنبال گسترش راهبرد ترمیمی و به طور کلی، کاهش رویکرد سزادهی حقوق کیفری ایران است.

۸ در این مقاله کوشش می‌شود از یک سو، مبانی راهبرد ملایم - ترمیمی شدن حقوق کیفری ایران و از سوی دیگر، چگونگی محقق شدن این راهبرد و سرانجام موانع و مقتضیات آن - که عدالت ترمیمی از جلوه‌های بارز آن است - در بستر فرهنگی، قضایی و پلیسی ایران مطالعه و ارزیابی شود.

کلیدواژه‌ها: عدالت ترمیمی، عدالت تصالحی، کیفرهای ترمیمی، خشونت مشروع، خشونت نامشروع، ملایم‌سازی حقوق و عدالت کیفری، میانجیگری، صلح و سازش.

Softening of Criminal Law, and Restorative Justice as it's Latest Demonstration

Ali-Hossein Nadjafi¹

Criminal Law is in fact the armed arm of State and it's legal system. Therefore, the right to punish which consists to restrict the rights and freedoms of citizens through criminalization, penalty - setting and sentencing belongs to state ; Criminal Law is, in essence, violent. It legitimizes penal restrictions which are in some kind physical and/or psychological violence. State employs these violences for responding to illegitimate criminal violences. Law enforcement agents and agencies also by their behaviors, appearances, and equipments shape and externalize violences in order to arrest, judge, sentence and punish criminals. Therefore, Criminal Law can be a source of propagation of physical and psychological violence in society and inter-individual relations.

However, One can see that criminal Law, under the influence of classical schools and thinkers (such as Beccaria and Bentham), criminological -victimological schools, political event that is to say the advent of democracy as a way of Governance and the creation of the U N O which opens the era of Human rights and finally under the impact of critical approaches in criminology, has been gradually humanized and softened. The latest factor of softening is restorative justice: Substantial criminal Law has become, less retributive and degrading, less violent, more communitarian - restorative; Criminal procedure ,based also on this factor, became more flexible allowing criminal and victim to be more active in criminal process for finding a negotiated solution to their penal conflict ; thus dialogue- based criminal justice model has become in parallel of confronting - based criminal justice model as a way to respond to delinquency. The last but not the least, criminal procedure now a days obeys to the principals of Fair Trial and Fair treatment, respecting the human dignity and rights of both criminal and victim, canalizing thus the violence of the actors of criminal justice ...

One can note that since nearly one decade the Iranian penal legislator also has adopted the strategy of softening - lightening, as it was briefly described before. For example, Restorative justice model and Reconciliatory justice model in parallel of classical criminal justice model have been adopted in the new criminal procedure code 2014; Communitarian - restorative punishments have been introduced in the new penal code 2013 for some criminal offenses ...

This article proposes to study first the main fundament of the aforesaid strategy, then its special manifestation in the Iranian Criminal Law , with focus on restorative aspects, and finally to evaluate such a strategy and its demonstrations in the Iranian cultural - judicial -police context.

Keywords: Restorative Justice, Retributive Justice, Mediation, Reconciliatory, Restorative Punishments, Communitarian Sanctions, Fair Trial, Fair Treatment.

1- Professor of Criminal Law and Criminology at Shahid Beheshti University: ahnaus@yahoo.com